

راه گیت و اظهار در جواب است که استنشاد کند و منقطع است یعنی باید
چون یا افضل از آورده قابل اول یعنی یک است که گفته است آن تسبیح را مثل
قابل اول صد بار در این مساوی است باین قابل اول صد بار در نوبت یک است
که زیادت بر صد گفته است و یقین است که آورده این یک افضل است در
بعضی شروح است که جواب است که استنشاد کند که در هر دو ظاهر از
نفس است لیکن در حقیقت از ثنات است و معنی حدیث این است که گفته است
این تسبیح را صد بار آورده است افضل از آورده هر یک که یک است که گفته است
آنرا صد بار در این مساوی است باین یا زیاد کرده بر صد بار در این افضل است
از آن **سُبْحَانَ اللَّهِ مِائَةَ مَرَّةٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِائَةَ مَرَّةٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِائَةَ مَرَّةٍ اللَّهُ أَكْبَرُ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ يُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَشْرَ مَرَّاتٍ** یعنی در سن هر روز
حزرت از عمر بن شعیب عن ابيه عن جده فرمودن رسول خدا این حدیث را
من سبح الله مائة بالعدوة ومائة بالوعشي كان لمن حج مائة حجة و
من حرم الله مائة بالعدوة ومائة بالوعشي كان لمن حبل على مائة فرس في
سبيل الله اقول غرامية عمرة و من حمل الله مائة بالعدوة ومائة
بالوعشي كان لمن اعش مائة رغبة من اوله اجمعيل و من كثر الله مائة
بالعدوة ومائة بالوعشي لم يات احد في ذلك اليوم باكثر عملا اذ
لا من قال مثل ذلك اذ زود على ما قال يعني هر که بگوید سبحان الله
در باره او صد بار در شب نگاه باشد در نوبت آن تسبیح کرده است
چون هر که بگوید الحمد لله صد بار در اول روز و صد بار وقت شام باشد در اول

مانند

مانند که میوار کرد این است صد کسی را بر صد اسب در جهاد کفار با حق است
رسول خدا است که او است مانند که هر چند کرده صد جنگ با کافران و هر که
بگوید لا اله الا الله صد بار در صبح و صد بار در شب و در نوبت تسبیح
که آورده کرده است صد کسی از فرزندان حضرت اسمعيل عليه السلام که
بگوید الله اكبر صد بار در اول روز و صد بار در آخر روز و زیاده است تسبیح
که در آن روز بسیار تر روزی که او در آن است کسی که یک است که گفته است
الله اكبر را صد بار در طول روز و صد بار در آخر روز هم در تمام روز
کسی بر این است یا تسبیح در نوبت یک است که زیاده گفته است بر صد بار در این
کسی که زیادت در عمل و نوبت آن تسبیح قول و لیضا علی الصبح و العشاء
طرازا هر وقت از ابوالدرداء ررضه الله عنده حدیث فرمودن من صلی علی
یضیع عشر اَوْضُنْ عَشْرًا اَوْ كَثْرَةً شَاعَتْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ و ان
التبلي بهم اَوْ ذَيْنَ فَلْيَقُلْ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ اَلَمٍ و
الْحَزَنِ وِ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْفَجْرِ وِ الْكَلْبِ وِ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ
الْجَبَنِ وِ الْحَمْلِ وِ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ قَلْبَةِ الدَّيْنِ وِ قَطْرِ الزَّوَالِ
اجله از مودن هم آمده دین و ام حزن تقفل و کفوس آمده
صلافت سرور از باب علم حزن بر علمین و حزن لغتان منه جبن تقفل
و ضم دوم بدو و بر سر سده که از باب علم جبان با بفتح بدل تجل که بفتح
کردن است از باب علم در قرارت است چهار لغت بضمین بفتح تسبیح
بضم بفتح باد سکون دوم با ضل تجل لغت سینه غلبه بفتح حیره شده
از باب ضرب حیره شدن از باب فتح یعنی در سن ابوداؤد

Copyrighted material